

An Analysis of the Conditions for the Occurrence of Divine Aid To the Believers Based on the Holy Quran

(Received: 2024-08-19 Acceptance: 2025-02-12)

Hassanali Norouzi Azaraki¹

Abstract

The issue of social solidarity and constructive communication between people, along with many other topics in social sciences, is one of the important social challenges that has attracted the attention of Islamic and social scientists, and various theories and models of social progress have been proposed. The relationship between people is the basis for the formation of a social system and society. The position of the religious community and social groups and their role in the emergence and effectiveness of society, social relations, solidarity, and the creation of a unified and sustainable monotheistic system is very prominent. This research, using a descriptive-analytical approach and a library method, has attempted to explain the foundations and functions of the religious community in monotheistic social solidarity and the creation of a unified Islamic nation. The goals of the research include the cultural improvement of society in the field of attitudes, tendencies, and behaviors, and the achievement of an ideal unified society that will ultimately lead to the individual and social salvation of the Islamic nation. Monotheism, belief in the resurrection, and acceptance of the guardianship are the foundations of religious unity, and having faith, piety, remembering God, steadfastness, obedience, patience, avoiding disagreement, etc. are the most important elements that influence social solidarity. Benefiting from divine grace and supernatural power, having a spirit of charity and benevolence, self-confidence and good faith in each other, moderation and moderation, seeking fairness and justice, compatibility and synergy, jihad and struggle, steadfastness and increasing the power and authority of the members of society and guiding them towards the formation of a single global monotheistic system are among the most important functions of religious unity. Keywords: religious unity, social solidarity, single nation, ideal society, monotheistic approach, Quranic approach. **Keywords:** Religious union, Social solidarity, United nation, Ideal society, Monotheism, Quranic approach.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Qom University, Malayer Faculty of Quranic Sciences, Iran. h.noruzi@quran.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

مطالعات قرآنی
و ترجمه‌های فارسی

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳



مبانی و کارکردهای عصبه دینی در همبستگی اجتماعی توحید محور با رویکرد قرآنی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴)

حسنعلی نوروزی آزارکی^۱

چکیده

مسئله همبستگی اجتماعی و ارتباط سازنده مردم با یکدیگر در کنار بسیاری از موضوعات دیگر علوم اجتماعی، یکی از چالش های مهم اجتماعی است که مورد توجه دانشمندان علوم اسلامی و اجتماعی قرار گرفته و در پی آن تئوریها و الگوهای پیشرفت اجتماعی مختلفی ارائه شده است. ارتباط انسانها با یکدیگر پایه تشکیل نظام اجتماعی و جامعه می باشد. جایگاه عصبه و گروه های اجتماعی و نقش آنها در پیدایش و کارآمدی جامعه و مناسبات و همبستگی اجتماعی و ایجاد نظام توحیدی متحد و پایدار بسیار برجسته است. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه ای، تلاش نموده تا مبانی و کارکردهای عصبه دینی در همبستگی اجتماعی توحید محور و ایجاد امت واحده اسلامی را تبیین نماید. از اهداف تحقیق می توان به بهسازی فرهنگی جامعه در عرصه نگرش ها، گرایش ها و رفتارها و دست یابی به جامعه متحد آرمانی که سرانجام به رستگاری فردی و اجتماعی امت اسلامی منجر می شود، اشاره کرد. توحید باوری، معاد باوری، ولایت پذیری از مهمترین مبانی عصبه دینی و برخورداری از ایمان، تقوا، ذکر خدا، ثبات قدم، اطاعت پذیری، صبر، پرهیز از اختلاف و... از مهمترین عناصر تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی می باشد. بهره مندی از الطاف الهی و قدرت ماورائی، برخورداری از روحیه انفاق و احسان، اعتماد به نفس و حسن ظن به یکدیگر، اعتدال و میانه روی، انصاف و عدالت طلبی،

۱. استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن، حل دانشگاه قم، دانشکده علوم

قرآنی ملایر، ایران. h.noruzi@quran.ac.ir





سازگاری و هم افزایی، جهاد و مبارزه، ثبات قدم و افزایش قدرت و اقتدار
 آحاد جامعه و هدایت آنان بسوی تشکیل نظام واحد جهانی توحید محور
 از مهمترین کارکردهای عصبه دینی است.
واژگان کلیدی: عصبه دینی، همبستگی اجتماعی، امت واحده، جامعه
 آرمانی، توحید محوری، رویکرد قرآنی.

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم درحوزه علوم اجتماعی، مسئله همبستگی اجتماعی در پرتو
 زندگی جمعی و درپی آن رشد و پیشرفت اجتماعی است. انسان به صورت فردی
 یا اجتماعی بر اساس اصول و قواعدی برای نیل به اهداف بلند با دیگران ارتباط
 می گیرد. همانطور که تدبیر نظام تکوینی اشیا بر اساس همبستگی و محبت
 است، تدبیر نظام تشریع جوامع بشری نیز، برمحور محبت و لطف است. (جوادی
 آملی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص ۱۵۴) و مردم بدون محبت، همبستگی و هم افزایی نمی
 توانند به زندگی سالم خود ادامه دهند و پیشرفت نمایند و لذا در قالب خانواده،
 قبیله، امت، جامعه و... با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند تا با کمک هم، نیازهای
 خود را تأمین کرده و به زندگی اجتماعی خود معنا بخشند. قرآن اغلب برای شکل
 گیری پدیده های جمعی و معنا بخشی به زندگی اجتماعی از واژه مردم (ناس)
 استفاده می کند. (بقره: ۲۱۳، حجرات: ۱۳) از آنجایی که زندگی اجتماعی پایدار و
 سعادت بخش، نیازمند وجود قوانین و برنامه های متقن و کارآمد است، خداوند
 متعال با شناخت کامل انسان و نیازمندی های او، اصول و ضوابط بهترین قوانین
 را در قالب دین پیش روی بشر قرار داد و آحاد مردم را بر پایبندی به دین و قوانین
 حاکم بر روابط اجتماعی تشویق نمود تا به سعادت و کمال برسند. مجاهدت و
 دلسوزی آحاد جامعه بویژه عصبه های دینی در نیل به اهداف بلند انسانی و
 تأمین منافع دنیوی و مصالح معنوی مردم بسیار اهمیت دارد.

قرآن کریم به دنبال وحدت امت اسلامی است و نقطه آغاز این وحدت، می تواند
 ارتباط بین انسانها و کارکرد عصبه های دینی باشد. عنصر امت از تجمع مردمی
 که با هم ارتباط دارند، شکل می گیرد و نظریه ارتباط هم می تواند ملاک وحدت
 تشکیل امت باشد و هم می تواند امر یگانه ای را نشان دهد که همه امت ها
 در آن شریک باشند. (کافی، ۱۳۹۴: ص ۱۸۷) چنان که عصبه های دینی هم
 در ایجاد ارتباط و همبستگی اجتماعی نقش تعیین کننده ای دارند. و از سویی

همبستگی اجتماعی در فطرت و جان بشر ریشه دارد و تعالیم اسلام بر آن بنا شده است و از سوی دیگر تدبیر نظام تشریع جوامع بشری بر محور فطرت و محبت و هم افزایی استوار است. از این رو قرآن در آیات متعددی با هدف همبستگی و پیشرفت، مردم را فردی یا گروهی بر پیمودن محور توحید، دین حق، نظام یکپارچه و تشکیل امت واحده دعوت می نماید و بر قدرت و توان مندی هسته ها و عصبه های مختلف اجتماعی همچون، امت، ملت، قوم، قبیله، عصبه و... از یک سو و بهره مندی آنان از ارزشهای سعادت بخش و هویت آفرین، همچون ایمان، تقوا، صبر، غیرت، علم، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... که در اقتدار و صلابت بخشی و پیشرفت جامعه نقش مهمی دارند، تأکید دارد.

در قرآن آیاتی فراوانی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به ارتباطات انسانها اشاره شده و نقش عصبه دینی در شکل گیری ارتباط سازنده مردم با یکدیگر و ترسیم جامعه مطلوب با تحول در بعد نگرش ها، گرایش ها و رفتارها و ارتقاء روحی و معنوی و رستگاری فردی و اجتماعی از مهمترین اهداف تحقیق است.

همبستگی اجتماعی انگیزه را برای همکاری میان یک گروه و ملت افزایش می دهد و سبب می شود انسان ها در برابر سختی ها مقاوم و در رسیدن به آرمانها جهاد کنند. پیامبر (ص) در همان سال اول هجرت در روزهای نخستین حضور در مدینه، به تحکیم پیوند دوستی میان مسلمانان - مهاجران مکه و انصار مدینه - پرداخت و سرانجام در سال نهم هجری با توجه به اهمیت همبستگی، فرمان عمومی برادری را صادر نمود. خداوند در این باره می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید.

اصطلاح عصبه دینی در حقیقت بیانگر هسته اولیه شکل گیری گروه منسجم فکری اجتماعی کارآمد و توان مندی است که با اراده و ایمان و تعهد دینی خود برای رسیدن به اهداف مشترک و آرمانی می کوشد؛ این جمع منسجم با تعاون و هم افزایی به تقویت قوای تشکیلاتی خود افزوده و ضعف های فردی آنها، در همیاری جمعی جبران می شود. پیوستن به جمع عصبه دینی در رشد و تعالی اجتماعی ضرورتی اجتناب ناپذیر است زیرا «انسان موجودی نیارمند است و بطور ذاتی محتاج آفریده شده است و با فعالیت های خود می کوشد تا خلاء های خود را جبران کند و این امر امکان پذیر نیست مگر آنکه به دسته ای بپیوندد و از جمعیتی رشته پیوند بگسلد تا از دسته ای بهره گیرد و از زیان های دسته ای



دیگر برهد» (مطهری، ۱۳۶۹: ج ۱۶، ص ۲۲۵)

سؤال اصلی پژوهش این است که مبانی فکری عصبه دینی و کارکردهای آن در همبستگی اجتماعی توحید محور چیست؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی، تحلیلی و استنباطی و روش کتابخانه ای، تلاش کرده تا به ابعاد مختلف سوال تحقیق پاسخ دهد. برخوردای از ایمان، توحید باوری، معاد باوری و ولایت پذیری، عدالت طلبی از مهمترین مبانی و بهره مندی اعضای عصبه از ایمان و الطاف الهی و قدرت ماورائی، برخورداری از روحیه انفاق و احسان، اعتماد به نفس و حسن ظن به یکدیگر، اعتدال و میانه روی، انصاف، هم افزایی، جهاد و مبارزه، ثبات قدم و افزایش قدرت و اقتدار آحاد جامعه و هدایت آنان بسوی تشکیل نظام واحد جهانی توحید محور از جمله کارکردهای عصبه دینی است.

۲ پیشینه تحقیق

هرچند مولفه های مختلف اجتماعی در طول تاریخ همواره مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده و مطالب فراوانی در باب مبانی، اصول، روش ها، اهداف هسته ها و گروه های مختلف اجتماعی که در بالندگی فرهنگی و تمدنی نقش دارند، تدوین شده است ولی در هیچ کدام از آنها، راجع به عنصر عصبه دینی مطلبی ارائه نشده است. برخی از آثاری که در این موضوع تدوین شده عبارت است از:

۱. مقدمه ابن خلدون که یکی از نخستین کتاب هایی است که به تاریخ اجتماعی، فلسفه تاریخ، اقتصاد سیاسی، جغرافیا، جامعه شناسی و عدالت اجتماعی، موضوع اجتماع انسانی، خلافت و منصب های حکومتی، نقش عصبه در شکل گیری حکومت و حاکمان، نحوه تاسیس شهر و دهها مطلب دیگر درباره دانش های بشری و... پرداخته است.

۲. کتاب فلسفه تاریخ، اثر استاد شهید مطهری، مجموعه ای ۳ جلدی است که درباره فلسفه تاریخ، ارزش تاریخ، جامعه و فرد، تکامل تاریخ، آینده نگری، ریشه های اندیشه های دانشمندان غربی، تفکرات فلسفی و اجتماعی و نقد بررسی آنها سخن می گوید.

۳. کتاب جامعه و تاریخ اثر آیت الله مصباح یزدی که در آن مباحثی همچون؛ علوم اجتماعی و فلسفه آن، اصالت فرد یا اجتماع، تاثیر متقابل فرد و جامعه، قانون مندی جامعه، نهاد های اجتماعی، سنت های الهی در تدبیر جوامع، طرح جامعه آرمانی اسلام و... گفتگو می نماید.

۴. کتاب جامعه در قرآن تالیف آیت الله جوادی آملی از جمله تفاسیر موضوعی قرآن کریم وی است که درباره مباحثی چون؛ ساختار جوامع انسانی، تعریف و تقسیم جامعه و نهادها و عوامل تشکیل آن، حقیقت حیات و حیات انسان و اجتماعی،

جامعه در قرآن، مبانی حکومت اسلامی و نظام دموکراسی و... بحث کرده است.

۵. کتاب جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم اثر سید محمد باقر حکیم که درباره جانشینی خدا در زمین، جامعه انسانی و پیدایش آن، حرکت تاریخ، دین و روابط اجتماعی و وحدت نهایی دینی و... می پردازد

۶. کتاب نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن تألیف دکتر مجید کافی که درباره پارادایم نظریه اجتماعی، تبیین مبانی شناخت جامعه، انواع ارتباط، اصول و ویژگی های نظریه اجتماعی ارتباط و تبیین نظام اجتماعی را آورده است. و کتب دیگر و مقالات عامی که بیان آنها در این مختصر نمی گنجد. این پژوهش در عنوانی جدید و مسئله پژوهش را با رویکردی قرآنی و کاربردی ارائه نموده است.

۳. مفهوم شناسی

برخی از مفاهیم مهمی که در عنوان موضوع و یا در شکل دهی به پژوهش تأثیر بیشتری داشت، مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱. مفهوم عصبه و برخی واژه گان همسو

«عُصْبَه» (بر وزن لقمه) به معنای گروه و جماعتی است که دست به دست هم داده اند. عصبه به گروه به هم پیوسته و یاری دهنده هم گفته می شود و تعصب مصدر باب تفعّل از ریشه «العَصَب» به معنای پیوندهای مفاصل است. (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۱۳، ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۹، ۲۳۰، راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ۳۵۴، قرشی، ۱۳۷۶: ج ۵، ص ۴) عصبه از طرف مردان همان عَشْرَه است که عدد آنها از ده تا چهل نفر می باشند و عدد آن به کمتر از ده نیست. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۲۱۲، فیومی: ۱۴۲۵، ص ۴۱۳) واژه عصبه همانند کلمات، قوم، رَهط و نفر، جمعی است که مفرد ندارد.

در قرآن، واژه های متعدد دیگری وجود دارد که همانند واژه عصبه بر معنای گروه و جماعت دلالت دارند مانند: لفظ جمع، قوم، شعب، قبیله، امت و... البته برخی واژه های دیگر همچون ملأ و مترف و... در عین اشتراکاتی با آنها در معنا، بیانگر طبقات اجتماعی خاص، متمایز از آنها می باشند.

واژه «جمع» از حیث ماده و اشتقاق لغوی به واژه جامعه و مفهوم ارتباط و همبستگی نزدیکتر است. قرآن در مورد رویارویی دو گروه می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ...» (آل عمران: ۱۵۵) روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند.

واژه «قوم» که از پرکاربردترین واژه ها با ساختارهای گوناگون است که برای



بازگویی جامعه در قرآن بکار رفته و بیانگر حضور مردمانی است که ارتباط میان آنها، اغلب بر اساس روابط خویشاوندی و ملّی مانند خون، تاریخ مادّی و جغرافیایی شکل می گیرد. قرآن می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ...» (ابراهیم: ۴) و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم.

همچنین در قرآن کلماتی مانند «شعب»، «ملت» و «قبیله» که در بازتاب گروه‌های انسانی، عامل نژاد یا زبان، آنان را به یکدیگر پیوند می دهد، بکار رفته است. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا... (حجرات: ۱۳) ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در این آیه مردم به گروه‌های مختلفی تقسیم شده اند که از طریق روابط طبیعی با یکدیگر ارتباط دارند روابطی که زیر بنای پیدایش جامعه بشری می باشد. (حکیم، ۱۳۸۷، ص ۹۶). درباره بسیاری از این واژه‌ها و کارکردهای آنها که اغلب در حوزه ارتباطات و فرهنگ اجتماعی و جامعه شناسی کاربرد دارند، تحقیق شده است اما تاکنون در مورد واژه عصبه، ابعاد، ظرفیت‌ها و کارکردهای آن سخنی به میان نیامده است از این رو در این مقاله مورد توجه قرار گرفت.

۳-۲. مفهوم دین

لفظ دین که گفته شده از زبان آرامی به زبان عربی وارد شده، (دهخدا: بی تا، ج ۷، ۱۰۴۲) به معنای اطاعت، جزا، خضوع، تسلیم و... است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱) و به معنای کیش، وجدان، داوری و آیین به کار رفته است. (معین: ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۵۹۷) این واژه در قرآن به معنای اعتقادات (بقره: ۸)، اطاعت (زمر: ۱۱)، جزا و پاداش (حمد: ۳ و ذاریات: ۵ و ۶)، ملک و سلطنت (بقره: ۱۹۳)، قانون و شریعت (کافرون: ۶) و تسلیم شدن (آل عمران: ۷) بکار رفته است و در اصطلاح، «دین به مجموعه عقاید، اخلاق و احکام گفته می شود. یعنی دین یک سلسله معارف علمی و عملی را که مجموعه اعتقاد به هست و نیست‌ها و مجموعه باید‌ها و نباید‌ها است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۳۸۱، ۱۱۱ و ۱۳۸، ۲۴) اگر تعریف دین، مبنای اندیشه و عمل عصبه دینی قرار گیرد، کارائی فراوانی خواهد داشت.

۳-۳. مفهوم عصبه دینی

مفهوم عصبه دینی این است که گروهی نیرومند و قوی و متعصب و غیور، با تدبیر و برنامه ریزی دقیق و روشمند براساس اصول و مبانی دینی به منظور دست یابی به اهداف متعالی مشترک تلاش کنند. عصبه دینی هرچند که اندک باشند، با

صبوری و تلاش جهادی و بدور از هرگونه حسادت و کینه و استفاده از ظرفیت ها و توان مندی مشترکی که دارند، خواهند توانست با عبور از موانع به اهداف بلند خود برسند. مؤمن با علم و معرفت به اعتقادات و ارزشها، خواهد توانست بر تعصبات و احساسات خود غلبه کند و اگر ایمان در تمام وجودش رسوخ کرده باشد، تمام افکار و اعمال او حساب شده خواهد بود. گاهی نرمی و لطافت روا می دارد. لذا درباره پیامبر اسلام فرمود: «فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْمُرْ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹) و در جایی جدیت و شجاعت ضرورت دارد که فرمود: محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. (فتح: ۲۹)

عصبه دینی وقتی می تواند بر احساسات و تمایلات نفسانی خود غلبه کند که باورهای اعتقادی و توحیدی را در وجود خود تثبیت نماید و همه امور زندگی خود را با معیارهای توحیدی و دینی بنیان گذاری کند؛ در این صورت بی شک قدرت فرهنگی و تمدنی عصبه دینی چند برابر خواهد بود. خداوند در توصیفی عام و مطلق از مؤمنان می فرماید: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴) در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند. خداوند عزم و اراده مؤمنانی (فرد یا عصبه) را که در یاری خدا گام بر می دارند، تقویت و یاری کرده و قدم های شان را استوار و مقاوم می نماید. چنان که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷) ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

بنابراین هرگاه نیروی طبیعی عصبیت هم، صبغه الهی و دینی به خود گیرد و به سمت انسانیت سوق داده شود، توان و مقاومت فرد و گروه را بالا می برد و به جامعه و حکومت قدرت مضاعف می بخشد همچنین می تواند عمر حیات اجتماعی را زیاد نماید. عصبه باعث پی ریزی تمدن ها و گسترش دین و آبادانی شهرها می گردد و پس از دوره ی جاهلی می تواند باعث ایجاد دولت و ملت واحدی در محدوده جغرافیایی خاص شود. (ابن خلدون، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۲).

۴. کاربردهای واژه عصبه در قرآن

واژه عصبه در قرآن به معنای گروه (یوسف: ۸ و ۱۴ نور: ۱۱، قصص: ۷۶) و کلمه عصب از ریشه آن، به معنای سخت (هود: ۷۷) است. کلمه «عصبه» که در چهار آیه قرآن آمده، به معنای وابستگی شدید و پیوند و ارتباط و همکاری عمیق بین جمعیتی است که نسبت به انجام کاری دست به دست هم می دهند. این همان معنایی است که لغت شناسان از این واژه ارائه داده اند. خداوند می فرماید: «إِذْ قَالُوا



لِيُؤْسِفَ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيَّ أَيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (یوسف: ۸) جمله «وَنَحْنُ عُصْبَةٌ» یعنی ما جمعی نیرومندیم. که طبعاً ضعفِ فردی بعضی با قوت بعضی دیگر جبران شده است.

سپس از زبان برادران یوسف (ع) می‌فرماید: «قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الدِّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذَا لَلْخَاسِرُونَ» (یوسف: ۷ و ۱۴) جمله «وَنَحْنُ عُصْبَةٌ» یعنی ما جمعیتی نیرومند و کمک کار یکدیگر هستیم.

در آیه دیگری درباره نسبت ناروا به یکی از زنان پیامبر (ص) آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱) در حقیقت کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند دسته ای از شما بودند آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت.

بطور قطع کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکل و توطئه گر) از شما بودند و نشان می دهد که توطئه گران در این مسئله، ارتباط نزدیک و محکمی با هم داشته و شبکه منسجم و نیرومندی را برای توطئه تشکیل می دادند. (مکارم و همکاران، ۱۳۷۰: ج ۱۴، ص ۳۹۴).

کاربرد دیگر واژه «عصبه» در قرآن درباره دارایی‌های فراوان قارون است که می‌فرماید: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص: ۷۶). این تعبیر «بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ» اطلاق دارد و همانند کاربردهای دیگر این واژه در قرآن که فقط بار منفی دارند، نیست و با معنای مثبت از «عصبه» هم سازگاری دارد بعلاوه این که ممکن است افراد عصبه ای که کلیدهای گنجینه های او را حمل می کردند، از نصیحت کنندگان قارون بودند که در این صورت، عصبه معنای مثبتی خواهد داشت.

یکی از مشتقات واژه «عُصْبَةُ» در قرآن، واژه «عصیب» به معنای «شدید» است که فقط يك بار در قرآن آمده است. «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ» (هود: ۷۷).

۵. جلوه‌های عصبه (مثبت و منفی)

فطرت انسان به گونه ای است که او را برای تأمین نیازهای ضروری و به منظور

دفاع در برابر خطرها به یاری همدیگر و به زندگی اجتماعی سوق می دهد؛ انسان در پرتو حیات جمعی به کمال رسیده و شایسته جانشینی خدا بر روی زمین می گردد. لذا دین اسلام اصل تعصب را که ریشه فطری دارد، می پذیرد ولی استفاده نادرست از آن را رد می کند و هرگاه این نیرو از منبع ایمان به خدا برخاسته شود و در پی کسب رضای حق باشد، ممدوح خواهد بود. از این رو درآیات و روایات تعصب و عصبه به دو شکل مثبت و منفی جلوه دارد و در طول تاریخ بر مبنای چنین تفکری، دو جبهه (عصبه) حق و باطل شکل گرفته است.

۱. **عصبه منفی**؛ به جمعی نیرومند و هم پیمان که با تعصب برای نیل به اهداف مشترک تلاش دارند، اطلاق می شود؛ اینان با تعصبی که ریشه در جهل و لجاجت و غرور دارد، (سید رضی، ۱۳۹۲: خ ۱۹۲، ص ۴۵۴) نه متدین، که با دین بازی می کنند و در قرآن و روایات از چنین تعصبی به شدت نکوهش شده است. (نوح: ۷ و ۲۳، اعراف: ۷۰، انبیاء: ۵۲ و ۵۳، و...) پیامبر (ص) فرمود: *مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِنْ خَرَدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ* (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۸) و امام صادق فرمود: *«مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رُبْعَهُ الْإِيمَانَ مِنْ عُنُقِهِ»* (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۷) هرکی تعصب کند یا در مورد او تعصب شود، برآستی که بند بندگی از او برداشته می شود.

از مصادیق عصبه منفی، می توان به توطئه گرانی که نسبت ناروایی به یکی از زنان پیامبر (ص) دادند، (نور: ۱۱) و یا به برادران یوسف (ع) نام برد. (یوسف: ۱۴) همچنین عصابه ملعونی که بر امام حسین (ع) و خاندان و یاران او یورش بردند و آنها را شهید کردند که در فرازی از متن زیارت عاشورا آمده، اشاره کرد. *«اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ...»*. بنابراین درمیان عصبه منفی، مولفه های ارزشی و مشروع همچون پیروی از حق، انصاف و عدالت، اجتناب از کفر و باطل دیده نمی شود. (نراقی، ۱۳۹۰: ص ۲۹۰).

۲. **عصبه مثبت و دینی**؛ که متشکل از گروهی نیرومند، مؤمن و مصمم در پی اهدافی مقدس و مشترکند و در فرهنگ دینی مقرون به صفت «غیرت» که از بهترین صفات کمال انسانی است، می باشد. این گروه از عصبه در ادبیات دینی کاربردهای مختلفی دارد از مفهوم فقهی آن گرفته تا مفهوم کلامی و اجتماعی. عماد الدین طبری در معنای فقهی عصبه، به سند کامل از جابر بن عبد الله روایتی را از رسول خدا (ص) نقل می کند. *«لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصَبَةٌ يَنْتُمُونَ إِلَيْهِ وَإِنَّ فَاطِمَةَ عَصَبَتِي إِلَيَّ تَنْتَبِئُ...»* (عماد الدین طبری، ح ۱۴۲۰: ص ۷۵) علامه مجلسی آنرا از طرق مختلف نقل کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۸۸، ح ۳۷ و ص ۷۰ و ۲۳۰).



در منابع روایی در وصف یاران مهدی (ع) واژه‌هایی مانند: «اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و اعاجم» آمده که از معانی بلند آنها، می‌توان با ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (ع) آشنا شد. «عصائب» طبق بعضی از روایات، یاران حضرت مهدی (ع) در عراق می‌باشند که هنگام ظهور خود را به مکه می‌رسانند و با او بیعت می‌کنند. (امین، ۱۳۸۶: ج ۵، ص ۵۰۹) در روایتی از پیامبر (ص) آمده که «يَخْرُجُ إِلَيْهِ النُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرٍ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الْمَشْرِقِ حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ فَيُبَايِعُونَهُ» (اربلی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۶۹، سلیمان، ۱۳۹۴: ص ۲۱۲) با توجه به معنی «عصائب» که به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، معلوم می‌شود که یاران مهدی (ع) باید دارای ویژگی‌های خاص باشند. در بعضی از روایات، یاران حضرت مهدی (ع) با عنوان «اخیار» نیز خوانده شده‌اند. (شیخ حر عاملی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۸) مفهوم غیرت که در فرهنگ اسلامی به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی که انسان را به دفاع از آبرو و ناموس، دین و آیین، مال و سرزمین می‌کشاند، نزدیک ترین مفهوم به عصبه دینی است. پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ وَإِنَّ الْمَنَاءَ مِنَ النِّفَاقِ» (پابنده، ۱۳۸۲، ج ۴۵: ۲۰۴).

حضرت علی (ع) در مفهوم اجتماعی عصبه، با تأکید بر برخی مولفه‌های ارزشی مانند وفاداری به پیمان می‌فرماید: «فَتَعَصَّبُوا لِخِلَالِ الْحَمْدِ مِنَ الْحِفْظِ لِلْجَوَارِ وَالْوَفَاءِ بِالذِّمَامِ وَالطَّاعَةِ لِلْبِرِّ وَالْمَعْصِيَةِ لِلْكَبَرِّ وَالْأَخْذِ بِالْفَضْلِ وَالْكَفِّ عَنِ الْبَغْيِ وَالْإِعْظَامَ لِلْقَتْلِ وَالْإِتِّصَافِ لِلْخَلْقِ وَالْكَظْمَ لِلْغَيْظِ وَاجْتِنَابَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ» پس برای خصلت‌های پسندیده تعصب داشته باشید مانند: نگهداشتن حق همسایه، وفا به پیمان، فرمانبرداری از نیکوکاران و نافرمانی گردنکشان، احسان به هنگام چیرگی‌تان، خودداری از ستم و گردنکشی، مهم شمردن خونریزی و انصاف نسبت به مردم و فرونشاندن خشم و دوری جستن از فساد در زمین» (سید رضی، ۱۳۹۲: ج ۱۹۲، ص ۴۵۶) همچنین می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَالنُّجَدَاءُ...» یعنی اگر اینطور که باید حتماً تعصبی داشت، پس شما باید تعصبتان برای خصلت‌های والا و کردارهای ستوده و امور نیکو و پسندیده‌یی باشد که انسانهای شریف و بزرگوار و دلاوران خاندانهای عرب و پیشاهنگان و بزرگان قبایل به وسیله آنها درخوی‌های دلپسند و اندیشه‌های سترگ و مراتب بلند و آثار پسندیده بر یکدیگر برتری می‌جویند. (همان، ص ۲۵۴)

۶. زمینه‌های وجود عناصر عصبه دینی در قرآن

قرآن در آیات متعددی بر وجود زمینه‌ها و هسته‌های عصبه دینی در ایجاد همبستگی اجتماعی و تشکیل نظام یکپارچه توحیدی برای رسیدن به کمال و

سعادت اشاره دارد که در یک نگاه کلی، آیات قرآن در این هدف مهم را می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱. دسته اول آیاتی که بصورت روشن از همه مردم (عناصر عصبه) می خواهد که با اراده قوی و یادآوری نعمت های الهی، حول محور وحدت بخش «حبل الله» جمع شوند و از هر گونه اختلاف بپرهیزند. تشکیل عصبه دینی می تواند هسته اولیه این جمع توحیدی را بنیان نهد و با همبستگی و همراهی با افراد و دیگر عصاب همسوی توحیدی، پیوند خورده و نسبت به تشکیل امت واحده مطلوب قرآنی اهتمام ورزند چنان که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۲-۱۰۳) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یابید». (آل عمران: ۱۰۳).

در ادامه خداوند مردم را از همراهی با افراد و گروه های بی ایمان و شیطان صفت نهی کرده و می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵) و چون کسانی م باشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است. همچنین می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام: ۱۵۹) کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند تو هیچ گونه مسؤول ایشان نیستی کارشان فقط با خداست آنگاه به آنچه انجام می دادند آگاهشان خواهد کرد. قرآن درباره تاثیرات شوم اختلافات تفرقه افکنانه که باعث نابودی سرنوشت اجتماعی مردم است، مکرر هشدار داده که در صورت غفلت از تاثیر نفوذ القائات شیطانی و مفساد گروه های غیر دینی، ضلالتی ایجاد می شود که انسان را از سعادت و پیشرفت اجتماعی محروم می کند. (فرقان: ۲۷-۲۹) (آل عمران: ۱۰۵) (نحل: ۹۲).

در همین سیاق آیات دیگری است که از مردم می خواهد که دیگران را با خود همراه کرده تا با هم به راه خدا قیام کنند و می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ



تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيِئِذٍ» (سبأ: ۴۶) بگو من فقط به شما يك اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید. با هم بودن و تشکیل گروه برای رسیدن به اهداف بلند، یک ضرورت است و اگر امکان ایجاد گروه در جامعه ممکن نبود، بصورت فردی قیام به حق کند. شهید مطهری می‌گوید: «اگر انسان نفر دوم پیدا نکرد، خیال نکند دیگر نباید حرکت و قیام کند و شرطش این است که دو نفر یا سه نفر باشید و یا یاران همراه باشید و اگر نشد، آنوقت تنها به راه خدا قیام کنید» (مطهری، ۱۳۹۷: ج ۳، ص ۳۰۴) خداوند حتی در صورت بروز مانع و مواجهه با دشمن، راهبردهای عملی برای رستگاری را نیز ارائه نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلَحُونَ» (انفال: ۴۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید.

بدین روی قرآن انسان را موجود اجتماعی دانسته و تنوع را نه تنها موجب تنش و دوری از هم، که آن را برای تبیین باورها و ارزشهای دینی ضروری می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) ای مردم شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را دسته‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شما است. بنابراین اتحاد و همبستگی اهمیت زیادی دارد و احاد مردم می‌توانند با کمک یکدیگر، راه پیشرفت و کمال را طی کنند. عصبه‌های دینی با تقویت روحیات دینی می‌توانند باعث همبستگی اجتماعی شوند و در نمون دینی برخی عناصر تأثیر گذار همبستگی اجتماعی که موجب فلاح و پیروزی می‌شود، عبارت است از:

۱-۱. ایمان؛ باور قلبی به خداوند و اعتقاد به غیب پایه عناصر دیگر است و در منطق قرآن اساس همه ارزشها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی، عنصر ایمان است و هر نیت و عملی بدون ایمان بی‌ثمر است و خداوند کارآمدی تمام مؤلفه‌های ارزشی را به ایمان گره می‌زند و از باب نمونه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلَحُونَ» (انفال: ۴۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید.

۱-۲. تقوا و پروا پیشگی؛ تقوا مهمترین پیام دین در همبستگی اجتماعی است و خداوند مؤمنان را در رابطه با خدا و دیگران، به تقوا و پروا پیشگی فرا می‌خواند چرا که خدا ترسی میل به گناه را در وجود انسان ضعیف و بی‌پروایی دست انسان

را برای هر انجام گناهی باز کرده و موجب اختلاف اجتماعی می شود. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید امید است که رستگار شوید.

۳-۱. ثبات قدم؛ پایداری در ایمان و هدف و تقویت قوای جسمانی تاثیر بسزایی در موفقیت انسان دارد. «فَاقْبَلُوا ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

۴-۱: ذکر خدا؛ مهمترین عامل رستگاری احساس حضور دائمی در پیشگاه حق است. «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید» (انفال: ۴۵).

۵-۱: تسلیم و اطاعت پذیری. اطاعت محض از خدا و رسول (ص) عنصر بسیار مهم در رشد فردی و اجتماعی است؛ چنانکه فرمود: «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» و فرمود: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶). و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

۶-۱: صبر و بردباری؛ زندگی مادی و معنوی، بدون ایستادگی در برابر موانع ممکن نیست لذا در متون دینی فراوان به پایداری در برابر مشکلات توصیه شده است و در پایان آیه فرمود: «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» معمولاً مؤلفه های ارزشی نسبت به یکدیگر تاثیر متقابل دارند و ایمان، دعا و یاد خدا موجب آرامش و ازدیاد شکیبایی می شود. «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (زهد: ۲۸) همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

۷-۱. پرهیز از اختلاف؛ از آنجایی که اختلاف موجب پراکندگی و فروپاشی قدرت و انسجام امت و سرانجام موجب شکست و عذاب الهی می شود، مورد نهی خداوند قرار گرفت. مقصود از اختلاف در برخی موارد، اختلاف بعد از علم است که باعث پراکندگی عمیق امت و عذاب الهی می شود. چنان که فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۵).

۸-۱: دوری از غرور و خودنمایی، که موجب خروج از ولایت خدا و صد سبیل حق می شود. چنان در ادامه آن فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (انفال: ۴۷) و مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم



خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می داشتند و خدا به آنچه می کنند احاطه دارد.

۹-۱: **دوری از تجزیه طلبی مذهبی؛** که موجب گمراهی از دین، ذلت، پشیمانی و سرانجام عذاب الهی خواهند شد. فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ...» * «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (فرقان: ۲۹) و در آیات دیگر نکات بسیاری در این زمینه وجود دارد.

۱۰-۱: **پرهیز از بازی در زمین دشمن؛** اختلاف افکنی و جدا شدن از مسیر حق، بازی کردن در زمین دشمن بوده و موجب گسست اجتماعی می شود که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مِّنْهُمْ مُّؤْمِنِينَ» (مائده: ۵۷) ای کسانی که ایمان آورده اید کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران دوستان [خود] بگیرید و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید. تبعیت از دشمن، تبعیت از زشتی ها است. خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! از گام های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد. از آنجایی که پیدایش و استمرار دشمن بر اساس باطل و زشتی بوده، تبعیت از دشمن خود نه تنها نوعی زشتی بلکه کمک به استمرار و تبلیغ و ترویج باطل است.

بنابراین از نتایج بارز ایمان در همبستگی اجتماعی، تقوا، ذکر خدا و ثبات قدم در راه حق و مقابله با دشمنان است و مسئله رهبری و اطاعت از او، که از پراکنده گی و اختلاف امت در شرایط بحران جلوگیری می کند؛ دستور به استقامت و صبر در برابر حوادث سخت که بیشتر جنبه روانی و باطنی دارد و تاکید بر ثبات قدم که بیشتر جنبه جسمانی و ظاهری دارد. (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۱۹۴-۱۹۵).

پیمان همبستگی جوانمردان مکه (حلف الفضول) که بر مبنای فطرت الهی و وجدان پاک برای دادخواهی و ظلم ستیزی در اوان جوانی پیامبر (ص) شکل گرفت را می توان مصداقی از عصبه دینی دانست چنان که از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که: درخانه عبدالله بن جُدعان درپیمانی حضور یافتم که اگر در اسلام هم مرا به مانند آن دعوت کنند، اجابت می کنم. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۱، یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷).

۲. دسته دوم آیاتی که با تشویق مومنان به مقابله با ظلم و استکبار در جهت اتحاد

و همبستگی اجتماعی بر مجاهدت و افزایش قدرت صابران (عصبه ها) تاکید دارند. در برخی آیات، عدد مؤمنان هر چند تمثیل گونه، به مقداری است که لغت شناسان در تعریف عصبه آورده‌اند. چنان که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵) ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکيبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند. پس در جامعه دینی، هم‌افزایی و همبستگی افراد بایستی در جهت گیری به سوی پیشرفت و تکامل توحیدی باشد.

قرآن همچنین، بر آمادگی کامل و به روز شدن در دفاع و ایمان خالص آنان مؤمنان (عصبه های دینی) تاکید نموده و آن دو را عامل اساسی پیروزی بردشمنان سرسخت می‌داند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] را بترسانید. خداوند در آیات قبل از این (۵۹-۵۵) نسبت به نقشه های کافران و قوم خائن و چگونگی برخورد با آنها سخن می‌گوید و سپس در این آیه و آیات بعدی به پیامبر (ص) و مؤمنان او دستور می‌دهد که برای مقابله و جهاد با گروه دشمنانی که شما آنها را نمی‌شناسید و فقط خدا آنها را می‌شناسد، امکانات دفاعی و تهاجمی لازم را فراهم آورید.

و در سیاق این آیات در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و اگر مؤمنان سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید. (آل عمران: ۱۳۹) مومنان، «أعلون» و بالاترند چون خدا «الاعلی» و بالاتر است و منظور از اینکه خدا با مؤمنان است، این است که آنها را یاری می‌کند. پس نباید احساس تنهایی و ناتوانی کنند. از مهمترین مؤلفه های ارزشی این دسته از برای ایجاد همبستگی و مقابله با موانع احتمالی، ایمان، صبر، اعتماد به نفس، آمادگی، امیدواری و پرهیز از سستی می‌باشد.

۳. دسته سوم؛ آیاتی که از جریان یافتن سنت الهی در برانگیختن قوم مُجِب و محبوب (عصائب) و مردان الهی از جبهه حق، در صورت کوتاهی تعلل از انجام وظیفه در جهت مقابله با ظلم‌ها و دسیسه‌های شیطانی سخن می‌گوید. خداوند به شدت از ارتجاع و ارتداد مومنانی که آنان را به پایداری و استقامت در راه حق و ایمان دعوت کرده بود، مذمت نموده و هشدار می‌دهد که در صورت ارتداد،



مردان مجاهد و شجاع الهی را جایگزین آنان می نماید. اطلاق واژه قوم در آیه، عصبه را در بر می گیرد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (وشایسته ببیند) می دهد و خداوند وسعت بخش بسیار داناست.

وگویا پیدایش و ایجاد عصبه دینی نیرومند و تقویت آنها با بکارگیری فعل مضارع در صدر آیه (يَأْتِي اللَّه) و تعلیل کلی انتهای آیه، بیانگر وجود سنت الهی بر وجود و حمایت از عصبه الهی در بستر زمان است و این که هر کس یا گروه با ایمانی که در راه خدا تلاش کند، مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرد. چنانکه خداوند در جریان قصه داود و جالوت نیز، مردان الهی را با مقاومت و صبوری، بر دشمنان غلبه می دهد و بعد از قتل جالوت توسط داود، دربهای حکمت و منصب پادشاهی را به روی او می گشاید و سرانجام، فرمود اگر خداوند براساس سنت خود، برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین تباه می گردید. «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱) پس آنان را به اذن خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت و از آنچه می خواست به او آموخت و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد قطعاً زمین تباه می گردید.

۷. مبانی نظری عصبه دینی در قرآن

با مطالعه در آیات و روایات اسلامی که بیانگر وجود تعصّب و غیرت دینی در وجود مومنان است، می توان مبانی فکری عصبه دینی را استخراج نمود. بکارگیری الفاظ و تعبیراتی مانند طایفه، قوم، ملت، شعب، فئه، و امثال آنها در قرآن و مورد مخاطب قرار گرفتن گروههای مختلف اجتماعی مانند مؤمنان، ناس، متفکران، اولوالالباب و... شامل عصاب می شود و عصبه دینی می تواند مصداقی از این اصطلاحات عام باشد و در واقع قرآن با روش ها و فنون متفاوتی، وجود عصبه دینی و توانایی بالای آنها را تایید می کند. چنان که می فرماید: اگر نیروی اراده،

ایمان و صبر قرین گروه مقتدر باشد، به امداد و نصرت الهی قدرت و اقتدار آنها چند برابر شده که در پی آن پیروزی و ظفر حاصل خواهد شد. (انفال: ۶۵؛ بقره: ۲۴۹). مهمترین مبانی و اصول نظری عصبه دینی عبارت است از:

۱. توحید باوری

قرآن با هدف انسجام اجتماعی امت اسلامی توحید محور، ایمان و اعتقاد قلبی را یکی از عوامل اساسی غلبه و برتری بردشمنان اسلام می داند و می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ * وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹-۱۴۰) این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است و اگر مؤمنید سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید.

ایمان که فعلی از افعال اختیاری انسان است (بقره: ۱۳) و به قلب تعلق دارد (حجرات: ۱۴)، اساس همه بینش ها، گرایش ها و رفتارهای عملی انسان است و یکی از تعلقات مهم ایمان که در نظام فکری و عملی عصبه دینی موثر است، باور به توحید است و مهمترین هدف پیامبران الهی دعوت به توحید و پرهیز دادن مردم از شرک بوده است. چنانکه فرمود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) و درحقیقت درمیان هرامتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگویند] خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگیر] پرهیزید. و آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارد از جمله: (فصلت: ۱۴، انبیاء: ۲۵، هود: ۵۰ و ۶۱، نوح: ۲ و ۳) و از آنجایی که عصائب هم جزئی از امت اند، بنابراین تمام گروهها و جامعه اسلامی باید بر محور توحید، کتاب خدا اتحاد و همبستگی داشته باشد و از هر گونه اختلاف دوری کند چنان که انسجام امت بر محور توحید در آیات مختلفی از قرآن مانند: (آل عمران: ۱۰۳؛ انعام ۱۵۳ و ۱۵۹؛ انفال: ۴۶؛ حجرات: ۱۰ و...) مشهود است.

در این آیات بر دو اصل اجتماع و اتحاد حول محور توحید و پرهیز از اختلاف تاکید شده است چون در اثر اختلاف، امنیت جامعه به خطر می افتد و ضعف و سستی تمام جامعه را فرا گرفته و موجب سوء استفاده دشمن از این موقعیت می شود و سرانجام موجب شکاف اجتماعی و فروپاشی جامعه می شود.

۲. معاد باوری

قرآن مسئله معاد را از اهداف مهم پیامبران می داند چنان که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ



يَوْمٍ عَظِيمٍ» همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم» (اعراف: ۵۹) و از قول حضرت هود (ع) به قوم او می فرماید: «من از عذاب روزی هولناک بر شما می ترسم. (شعراء: ۱۳۵) بنابراین اطلاق واژه قوم شامل اعضا و گروهها می شود. چنان که در داستان افک، بطور خاص عصبه ای را بخاطر اتهام ناروایشان وعده عذاب داده و می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱) درحقیقت کسانی که آن بهتان [داستان افک] را [در میان] آوردند دسته ای از شما بودند آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت.

بنابراین بر هر فرد و یا گروهی لازم است نسبت به اعمال و رفتار خود، حجت داشته باشند و الا دچار عذاب در قیامت می شوند و لذا گروههای دینی به تأسی از پیامبران الهی نسبت به مسئله معاد باوری اهتمام جدی داشته باشند. چنان که خداوند به شکلی عام به گروه جن و انس هشدار می دهد و می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَكَرَرْتَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» ای گروه جن و انس آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند گفتند ما به زیان خود گواهی دهیم [که آری آمدند] و زندگی دنیا فریبشان داد و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده اند» (انعام: ۱۳۰). پس همواره باید امور خود را در جهت بندگی خدا و و باور مندی به قیامت برای رسیدن به سعادت تدبیر کرد.

۳. ولایت پذیری

عصائب وصف گروهی از یاران امام زمان (عج) می باشند و بی شک با برخورداری از خصال نیک و صفات پسندیده به این مقام رسیده اند. قرآن کریم یکی از ویژگی های مومنان واقعی (عصبه) را ولایت پذیری می داند که سعی دارند در ویژگی ها اعتقادی و اخلاقی و رفتاری خود را در مسیر آنان قرار دهند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)

مطالعات اجتماعی
و مشاوره

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک فرجام‌تر است. چنان که در سوره احزاب پس از شمارش اوصاف مومنان، به ولایت‌پذیری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب: ۳۶) و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.

چنان که در آیات دیگری فرمود: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶) و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. بنابراین پیروی از خدا و رسول و تمسک به صبر و بردباری، از نتایج حفظ همبستگی و دوری از سستی و اختلاف می‌باشد.

۴. عدالت طلبی

قوام حقیقت حیات انسانی به عدالت است. عدالت طلبی همانند اصل توحیدباوری، ریشه در نظام تکوین دارد. «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۳) اهتمام به عدالت همسویی با نظام هستی است. عمل به عدالت در زندگی اجتماعی و ایجاد همبستگی از مهمترین تکالیف الهی مسلمانان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳) خداوند در خطاب به مومنان اعم از فرد یا گروه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (نساء: ۱۳۵) خداوند به کسانی که ایمان آورده اند، امر می‌کند پیوسته به عدالت قیام کنند و برای خدا گواهی دهند هر چند به ضرر خودشان باشد. بنابراین اصل عدالت توحید محور مبنای حیات فردی و اجتماعی مردم در همه ساحت‌های زندگی بشر است و از سویی عامترین مفهوم در زمینه همبستگی اجتماعی و قطعی‌ترین ارزش اخلاق اجتماعی از سوی دیگر، مفهوم عدل است چرا که رعایت آن نه تنها به حیطه زندگی اجتماعی مسلمانان محدود نمی‌شود، که آنان نیز موظف‌اند با غیر مسلمانانی که به آنها ستم نکرده اند، با عدالت رفتار کنند. (مأذنه: ۴۲) و حتی دشمنی با گروهی، نباید مؤمنان و عصبه‌های دینی را برآن دارد که بی‌عدالتی کنند. (مأذنه: ۸) خداوند در باب عدالت اجتماعی که موجب همبستگی آحاد جامعه می‌شود، فرمان می‌دهد وقتی میان



مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید» (نساء: ۵۸، انعام: ۱۵۲، مائده: ۴۲، حجرات: ۹، نحل: ۹۰).

۹. کارکردهای عصبه در همبستگی اجتماعی توحید محور (تشکیل امت واحده)

تعصّب حجاب سنگینی مقابل عقل و فکر است و انسان را از درک صحیح حقایق باز می‌دارد و گاه تمام مصالح او را به باد می‌دهد. (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ج ۲۲، ص ۱۰۰) و در نهایت باعث عقب ماندگی و سقوط فرد و جامعه می‌شود. برخی خاستگاه اصلی عصبیت را نیروی طبیعی که منشأ خویشاوندی و مانند آن است، می‌دانند. (ابن خلدون، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۲) اما عصبه دینی باعث پیشرفت انسان به سوی خوشبختی و سعادت می‌گردد و هرگاه نیروی طبیعی و عصبیت افراد، با عنصر دین و ایمان جمع شود، عامل مهمی در تأمین مصالح مادی و معنوی، هم افزایی و همبستگی اجتماعی می‌شود که در اینجا به برخی از ویژگی‌ها و کارکردهای عصبه دینی اشاره می‌شود.

۱. ثبات قدم و استقامت

خداوند اراده مومنانی را که در یاری خدا گام بر می‌دارند، تقویت کرده و قدم‌های شان را استوار و مقاوم می‌سازد. ثبات قدم برای گروه مومن، لطفی از سوی خداوند است که آنان را در برابر سختی‌ها مقاوم و سرسخت کرده که بر دشمنان غلبه می‌کنند. و شرط آن ایمان و نصرت حق می‌باشد. (محمد: ۷). استقامت به راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار باشد و راه حق به آن تشبیه شده باشد و استقامت انسان یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ص ۴۶۲) و (طریحی، بی تا، ج ۳، ۱۵۲۸-۱۵۳۲) استقامت بر طلب قیام در هر امری دلالت دارد، ارادی باشد یا طبیعی و یا عملی و غیر آنها که دوام و استمرار از لوازم آن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۹، ص ۳۴۲).

سیره مردان مبارز و عصبه‌های دینی را صبر و ایستادگی پایدار دانسته که یکی از نمونه‌های مهم آن را داستان مبارزه طالوت (فرمانده بنی اسرائیل) با جالوت (ابر قدرت ستمگر) ذکر می‌کند و می‌فرماید: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰) و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند گفتند پروردگارا [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را برگروه کافران پیروز فرما. و هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، مقاومت در برابر دشمن

را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار، و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان.

خداوند در دوران مبارزه پیامبر اسلام (ص) نیز همین راهکار را توصیه فرمود: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲) پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان نکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. و راز سخن پیامبر (ص) که فرمود: سوره هود و مانده‌های آن مرا پیر کرد، (طبرسی، ۱۳۵۱: ج ۱۲، ص ۱۳۷) دستور به استقامت است و درمقابل، آیات متعددی جامعه اسلامی را به شدت از سازش با دشمنان منع می‌کند و سازشکاران را توبیخ کرده است. (ممتحنه: ۱، مائده: ۵۱).

۲. یاری خدا

قرآن تأکید می‌نماید که کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و درحقیقت خدا با نیکوکاران است. (عنکبوت: ۶۹) و در آیاتی راهبرد صحیح در برابر حمله‌های دشمن را نصرت حق همراه با مقاومت می‌داند؛ پایداری از ویژگی‌های مومنانی است که در یاری حق گام بر می‌دارند و خداوند اراده آنها را تقویت می‌نماید. (محمد: ۷). مهمترین نشانه رسوخ ایمان در افراد عصبه دینی، استقامتی است که از نصرت الهی بر می‌خیزد.

۳. برخورداری از اقتدار و قدرت ماورائی؛ عصبه دینی مؤمن و صبور هرچند که اندک باشند، وقتی به یاری خدا بشتابند، از قدرت الهی و ماورائی برخوردار می‌شوند و با صبوری و تلاش جهادی و استفاده از ظرفیت‌ها و توان مندیهای مشترکی که دارند، خواهند توانست موانع را از سر راه بردارند و به پیروزی برسند چرا که آنان از یاری خداوند برخوردار می‌شوند. قرآن درباره برخورداری مجاهدان صبور از قدرت الهی فرمود: «كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بزرگروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (استقامت‌کنندگان) است» (بقره: ۲۴۹). بنابراین هر کس که در راه خدا مجاهدت نماید، اذن و نصرت الهی به کمک او خواهد آمد که موجب افزایش قدرت و اقتدار آنان می‌گردد.

۴. مجاهدت محسینانه

خداوند با ایجاد الفت و همبستگی در میان امت اسلامی، بر پایداری آنان در برابر دشمن تشویق می‌کند تا به پیروزی و سعادت برسند و درخطابی به پیامبر (ص)



بر قدرت مضاعف گروه صابران تاکید نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵) ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند. و درباره میزان قدرت مندی مجاهدان (عصبه دینی) می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹) چه بسا گروهی‌اند که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (واستقامت‌کنندگان) است. و در آیات بعدی بر قدرت ماورائی آنان تاکید می‌نماید. حضرت علی (ع) قدرت و اراده قوی مردان با ایمان را عامل پیروزی بر دشمنان نیرومند می‌داند و فرمود: «کسی که سرنیزه خشم را برای خدا تیز کند، توانایی بر نابودی سردمداران نیرومند باطل را پیدا خواهد کرد» (سید رضی، ۱۳۹۲: ص ۸۲۳، حکمت ۱۷۴).

قرآن درباره وعده به آمدن گروهی از مردان با ایمان که برخوردار از اراده و آرمان‌های بلند عصائب دینی‌اند، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). از جمله پایانی این آیه فهمیده می‌شود که هر کس یا گروه با ایمانی که در راه خدا تلاش کند، مورد لطف و عنایت خداوند قرار می‌گیرد. چنان که مجاهدان راه حق را بر دیگران با پاداش ویژه برتری داده است. (نساء: ۹۵).

۵. تعاون و انصاف

عصبه دینی با هدف نیکوکاری و به نام عدالت خواهی، اخلاق مدار است و هرگز نباید اخلاق زیر پا بگذارد. (مائده: ۲) قرآن همچنین می‌فرماید: گروه مؤمنان هم با خدا رابطه دارند و هم در رابطه با مردم گواهی به عدل می‌دهند. «شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مائده: ۸) و از کینه جویی که از عوامل انحراف در اجرای عدالت است، پرهیز می‌نمایند (مائده: ۸) امام باقر (ع) فرمود: خداوند بعضی از مخلوقاتش را اهل نیکی قرار داد و نیکی کردن را محبوبشان نمود و هرکسی که نیازمند نیکی است را متوجه آنان کرد تا از آنان درخواست کنند و بر آوردن (آن) در خواست را برای آنها آسان کرد، همان گونه که باران را برای زمین خشک، سهل و دست یافتنی کرد. (حر عاملی، ۱۴۱۶: ج ۱۶، ص ۲۸۶). آموزه‌های دینی همیاری، محبت به مردم، تداوم نیکی، انصاف ایثار و... را از ویژگی‌های جامعه اسلامی می‌داند

و درمقابل، کینه جویی، حرص، خودپسندی، حسادت، بهره کشی و... را از خصوصیات جوامع جاهلی و طاغوتی می‌داند.

۶. انفاق و آمادگی

یکی از ویژگی‌های عصبه‌های دینی انفاق و دستگیری از افراد نیازمند در ابعاد مختلف و آمادگی کامل با هدف تقویت روحی، همبستگی اجتماعی و مقابله با توطئه‌های دشمنان است. اهمیت آمادگی و تقویت قوا تا حدی است که قرآن آن را یکی از عوامل پیروزی جبهه حق در برابر دشمنان سرسخت می‌شمارد و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

۷. سازگاری و هم‌افزایی

در فرهنگ دینی و قرآنی تمام آحاد جامعه مکلف به سازگاری و هم‌پوشانی هم می‌باشند. قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا* إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید... درحقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید» (حجرات: ۹-۱۰) امر به اصلاح درآیه با جمله «فَأَصْلَحُوا» ضرورت حضور گروه‌ها و عصبه‌های دینی را در رفع اختلاف و سازش و همبستگی بین مردم می‌رساند.

خیرخواهی و سازگار شدن با دیگران از ویژگی‌های قلب مؤمنان است و این مهم زمانی تجلی می‌یابد که دل از تیره‌گی‌های کینه و دشمنی پاک شود و وقتی دل به این مرحله رسید، قلب دیگران را نیز جذب می‌کند و با آنان یکی می‌شود و این خود موجب رشد و تقویت روحیه عصبه‌های دینی می‌شود.

۸. اعتماد به یکدیگر

خداوند درخطابی عام به مؤمنان، نسبت به سوءظن به یکدیگر که باعث از بین



رفتن اعتماد به هم می شود، هشدار می دهد و اعتماد را، زیربنایی محکم برای همبستگی اجتماعی قرار داده است که بافرض خدشه به آن، امکان ارتباط و همبستگی اجتماعی نیز از بین می رود و فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که پاره ای از گمان ها گناه است. و موجب ناپایداری اجتماعی می شود. حضرت علی (ع) فرمود: بد گمانی بر دل هر کس چیره شود، بین او و دوستش صلح و صفایی باقی نمی گذارد (تمیمی آمدی، ۱۳۹۴: ص ۴۱۱، ح ۵۹۷۴) و همچنین باعث خرابی کارها شده و رذایل و پلیدیها را (در جامعه) ایجاد می کند. (همان، ح ۵۹۶۵).

متأسفانه در جامعه کنونی، برخی سخنان مردم نسبت به یکدیگر، بدون مطالعه و ناشی از بد گمانی است و آنان با اینکه قدرت دآوری ضعیفی دارند، پیش از آن که به تشخیص صحیح و اطمینان بخش برسند، نظر قطعی می دهند و غالباً دچار گمراهی تصدیق های بلا تصور می باشند و این عیب بزرگ سبب گسیخته شده رشته الفت و وحدت قلبی و سلب اعتماد افراد می گردد. (موسوی لاری، ۱۳۷۸: ۴۴). هر چندگاهی، اعتماد به افراد و گروهها، سبب سوء استفاده برخی بدکاران می شود و پیامدهای سنگینی ایجاد می کند، اما خسارتی که بی اعتمادی و ترتیب اثر دادن به بدگمانی در روابط و ارتباطات، برای جامعه پدید می آورد، بسیار مخرب تر است.

امام کاظم (ع) درباره اهمیت اعتماد و همبستگی اجتماعی و زشتی ترویج گناه که موجب شکاف اجتماعی می شود، می فرماید: گوش و چشم خود را درباره برادرت تکذیب کن و اگر پنجاه نفر نزد تو، بر ضد او شهادت دهند و او (در توجیه کار خود) به تو چیزی گفت، تصدیقش کن و آنان را تکذیب کن و هیچ گاه بر ضد او کاری را که موجب سرافکندگی او شود، منتشر نکن تا در نتیجه آن از کسانی شوی که خدای متعال درباره آنان گفته است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹) کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده اند شیوع پیدا کند برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا [است که] می داند و شما نمی دانید.

این مطلب اولاً؛ بیانگر حرمت افراد جامعه و تاکید بر حفظ جامعه از بدگمانی و آثار زیان بار آن است و ثانیاً؛ براین نکته دلالت دارد که شهادت دادن افراد و گروهها هرچند که زیاد باشند، اگر بر مدار دین و ایمان نباشد، دلیل بر درستی کلام و یا

رفتارشان نیست ولی سخن و رفتار فرد و یا گروه، اگرچه در اقلیت باشند، قابل اعتماد می باشد.

۹. اعتدال و میانه روی

یکی از ویژگی های دین اسلام، اعتدال است و قرآن امت اسلام را به نام «امت وسط» نامیده است و پیروان مکتب اسلام که در قالب هسته ها و تشکل های مختلف اجتماعی مانند؛ امت، ملت، قوم، شعب، قبیله، عشیره، و عصبه دینی می باشند و هویت خود را از دین و آموزه های قرآنی می گیرند، باید از افراط و تفریط، چپ و راست، کند روی و تند روی پرهیز کنند و همواره بر مدار «امت وسط» توحیدی باشند. خداوند می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳) و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

بنابراین تمام گروهها و جریان های فکری، باید با این معیار مورد سنجش قرار گیرند. امام صادق (ع) فرمود: «در هر نسلی طیفه معتدلی وجود دارد که از طرفی جلو افراط کاری غلو کنندگان را می گیرند و تحریفاتی که از ناحیه آنان پیدا می شود را نفی می کنند (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۹) و همچنین نسبت هایی را که مردم مخالف ایجاد می کنند، نفی می کنند. (مطهری، بی تا: ج ۱۲، ص ۷۰). چنان که حضرت علی (ع) فرمود: «انحراف به راست و چپ، سبب گمراهی و ضلالت است و راه میانه و مستقیم، جاده وسیع [الهی] است و همیشه هدایت و نجات پیمودن در راه مستقیم است (سیدرضی، ۱۳۹۲: خ ۱۶، ص ۳۴) و نیز فرمود: «نادان را نمی بینی مگر در حال زیاد روی و یا کم گذاردن» (سید رضی، ۱۳۹۲: ج ۶۷، ص ۷۷۰).

۱۰. اتحاد و اتفاق

اتحاد و اجتماع امت اسلامی یکی از اهداف بلند اسلام است؛ قرآن به مردم و عصبه های دینی می فرماید که در حد امکان برای تحقق این هدف بلند تلاش کنند تا مصداق بهترین امت جهانی شوند. «و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند» (آل عمران: ۱۰۴) تحقق یافتن این هدف (وحدت اسلامی) به هیچ وجه مستلزم این نیست که از بعضی اصول یا فروع مسلم خود دست برداریم. (مطهری، ۱۴۸۶: ج ۲۵، ص ۴۴، و ۱۳۹۷: ج ۳، ص ۳۵۷). قرآن و روایات دینی، اتحاد اسلامی را «حبل الله» می داند و بر مبنای آیات الهی تحقق اتحاد امت اسلامی با تشکیل عصبه دینی در دو ساحت امکان پذیر می شود:



۱. اعتصام بحبل الله؛ چنان که فرمود: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. این آیه به صراحت به موضوع «با هم» بودن و با هم دستورهای الهی را اجرا کردن توجه داده است. بنابراین عنایت قرآن مجید به این است که مسلمانان متحد باشند.

۲. اجتناب از اختلاف و تفرقه افکنان؛ قرآن در پی آیه قبل می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۵) و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان غذایی سهمگین است. این آیه مردم را انشعابات فرقه ای و مذهبی که از ویژگی های افراد بی ایمان و عصبه های بی دین است، پرهیز می دهد. نکته جالب توجه این که، آیه ۱۰۴ که در میان این دو آیه یعنی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا» قرار گرفته است، می فرماید: «یعنی باید جماعتی از شما و یا یاید شما جماعتی باشید که دعوت به کار خیر کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در این صورت رستگاری حاصل می شود.

خداوند در این آیات می فهماند که همواره باید از طریق دعوت به خیر و صلاح و امر به معروف و نهی از منکر، همبستگی و وحدت مسلمانان محفوظ بماند و اگر این استوانه اسلامی ترک شود، وحدت اسلامی و اتحاد مسلمان نیز از بین می رود. (مطهری، ۱۳۹۷: ج ۳، ص ۳۵۸) اتحاد امت اسلامی یک ضرورت و افتراق و انشعاب فِرَق امری مذموم و مانع وحدت و سعادت است. و در آیه دیگر آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا أَلَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام: ۱۵۴). بنابراین مطلوب همه آیات آن است که همه مردم گرد محور دین، با هم متحد شوند و آن را محور همبستگی قرار دهند و از تفرقه بپرهیزند.

آنچه در این پژوهش در باب ضرورت تشکیل و توجه به ظرفیت های عصبه دینی مدنظر است، فراتر از نوع اتحاد مسلمانان و یا فعالیت تقریب مذاهب اسلامی حال حاضر جهان اسلام است چرا که عصبه دینی گروهی نیرومند و قوی می باشند که با برنامه ریزی و تدبیری خاص و نظام مند براساس قوانین، مبانی و معیارهای دینی با هدف دستیابی به اهداف متعالی مشترک و با غیرت دینی بکوشند. پیوند عصبه های همگرا و هم افزا، اتحاد و همبستگی های اجتماعی بر محور دین حق که تأمین کننده مصالح دنیوی و معنوی انسان است، ایجاد می شود که در نهایت امر امت واحده سیاسی اسلامی نابود کننده باطل، درسطح جهانی ظهور می کند.

براساس تعالیم قرآن و معارف اهل بیت (ع) زندگی اجتماعی ارزش مطلق ندارد و هدف نیست بلکه وسیله ای است برای تأمین ارزش های بالاتر؛ حتی در عالی ترین جامعه که در زمان حضرت ولی عصر (عج) تشکیل می شود، زندگی اجتماعی اصالت ندارد بلکه برای آن است که زمینه رشد معنوی برای هر فرد فراهم شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ص ۳۰۷).

چنانکه خداوند ظهور قوم موعود را در آخر الزمان با این هدف مقدس وعده داده و می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. این آیه نشان می دهد که تشکیل جامعه مطلوب در هر سطحی برای آن است که انسانها بتوانند دین مرضی خدا را در جامعه مستقر کنند و در امنیت و آرامش کامل، فقط خدا را پرستش کنند.

نتیجه گیری:

۱. از منظر قرآن کریم، تمام هستی و موجودات جهان با نظامی هماهنگ و هدفمند به سوی یک مرکز توحیدی در حرکت اند.
۲. قرآن مهمترین عامل همبستگی را محبت می داند و تحقق همبستگی اجتماعی مرهون فعالیت همه افراد و گروه های اجتماعی است.
۳. عصبه دینی عنوان ترکیبی است که ریشه در قرآن و روایات دینی دارد و کارکردهای بسیاری در همبستگی اجتماعی امت اسلامی و جوامع انسانی دارد.
۴. رویکرد نژادپرستی، افراطی گرایی قومی و به اصطلاح ناسیونالیسم به تمام اشکال آن، نه تنها در اندیشه عصبه دینی جایی ندارد.
۵. تاریخ اسلام شاهد نمونه های فراوانی از حرکت اجتماعی گروه ها و عصبه های دینی از جمله پیمان جوانان مکه با عنوان حلف الفضول می باشد.
۶. حرکت های جهادی عصبه در ایجاد همبستگی اجتماعی و ایجاد جامعه ای پیشرو و زمینه ساز در جهت تجلی حاکمیت حکومت عدالت گستر امام مهدی منتظر (عج) خواهد بود.



منابع

۱. احسایی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
۲. امین، سید محسن، المجالس السنیة، انتشارات المكتبة الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۳. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، چاپ نقش جهان، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ ش.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، دوجلدی، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲.
۵. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، سال نشر ۱۴۰۸ هـ، چاپ اول.
۶. اربلی، محمد بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الاثمه، چاپ ایران، ۱۳۴۰ ش.
۷. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، - مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)-، نشر دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۹. یعقوبی، حمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۰. تیممی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد رحمتی شهرضا، ناشر: نغمه قرآن، چاپ عترة، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. جوادى آملى، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۲.، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش، چاپ پنجم.
۱۳.، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش، چاپ سوم.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، موسسه لغتنامه دهخدا، بی تا.
۱۵. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه حیدری، سال ۱۳۷۶ ش، چاپ دوازدهم.
۱۶. سلیمان، کامل، يوم الخلاص، ترجمه محمد رضا رحمتی، ناشر: نغمه قرآن، چاپخانه باران، ۱۳۹۴ ش، چاپ اول.
۱۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا، چاپ اول.
۱۸.، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ناشر: آراس، ایران، سندی، چاپ اول.
۲۰. موسوی لاری، سید مجتبی، بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، انسان سازی در قرآن، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲، چاپ چهارم.
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۳.، اندیشه مطهر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۴۰ق - ۱۳۹۷ هـ، چاپ اول.
۲۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن مشهور به امین الاسلام، مجمع البیان، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات قراہانی، چاپ اول، ۱۳۵۱ ش.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دارالاندلس، چاپ اول، ۱۴۳۱ هـ.
۲۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، نشر مرتضوی، بی تا، بی جا.



۲۷. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، بی نا، بی تا.
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵ ش، چاپ دهم.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۸ ش، چاپ اول.
۳۰. مکارم، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه مدرسه الامام امیر المومنین، چاپ یازدهم، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ ش.
۳۱. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، نشر جمهوری، ۱۳۹۰ هـ ش، چاپ اول.
۳۲. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۹۲ ش.

References

1. Al-Ahsa'i, Ibn Abi Jamhur, Awali Al-Laali, Qom, Seyyed al-Shuhada Publications, 1405 AH.
2. Amin, Seyyed Mohsen, Al-Majalis Al-Sunniyyah, Al-Muktabah Al-Haidariyyah Publications, 2nd edition, 1386 AH.
3. Azartash, Azarnoosh, Contemporary Arabic Persian Literature, Tehran, Naqsh-e-Jahan Publications, 7th edition, 1385 AH.
4. Ibn Khaldun, Abd al-Rahman, Introduction to Ibn Khaldun, two volumes, translated by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran, Scientific and Cultural Publications, 1362 AH.
5. Ibn Manzur, Lisan al-Arab, Beirut, Darahiya al-Turat al-Araby, year of publication 1408 AH, first edition.
6. Arbali, Muhammad ibn Isa, Kashf al-Ghammah fi ma'rifat al-A'immah, Iran Publications, 1340 AH.
7. Ibn Athir, Izz al-Din Abul-Hasan Ali ibn Muhammad, Al-Kamil fi al-Tariikh, Beirut, Dar Sadr, 1385 AH.
8. Payandeh, Abul-Qasim, Nahj al-Fasaha, - Collection of Short Words of the Prophet (PBUH) -, Dunyay Danesh Publishing, Tehran, 4th edition, 1382.
9. Yaqubi, Hamad ibn Abi Yaqub ibn Jafar ibn Qa'eed, Tarikh al-Yaqubi, Beirut, Dar Sadr, bi-ta.
10. Tamimi Amadi, Abdul-Wahed, Ghar al-Hakam wa Durr al-Kalam, translated by Mohammad Rahmati Shahreza, Publisher: Naghmeh al-Quran, Atrat Publishing, first edition, 1394 AH.
11. Javadi Amoli, Abdullah, Sharia in the Mirror of Knowledge, Qom, Islamic Publications Office Printing House, Israa Publishing Center, 3rd edition, 1381 AH.
12., Thematic Commentary on the Holy Quran, Qom, Israa Publishing Center, 1387, Fifth Edition.
13., Thematic Commentary on the Holy Quran, Jamia Dar Quran, Qom, Israa Publishing Center, 1389, Third Edition.
14. Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda Dictionary, Tehran, Dehkhoda Dictionary Institute, Bi-Ta.
15. Qurashi, Ali Akbar, Quran Dictionary, Tehran, Darul Kutub Al-Islamiyya Publishing House, Heydari Printing House, 1376, Twelfth Edition.
16. Suleiman, Kamel, Youm Al-Khalas, Translated by Mohammad Reza Rahmati, Publisher: Naghmeh Al-Quran, Baran Printing House, 1394, First Edition.
17. Sheikh Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan, Proof of the Gift in the Texts and Miracles, Beirut, Al-Alami Printing House, Bi-Ta, First Edition.
18., Wasa'il al-Shi'ah, Al-Bayt (AS) Institute for the Revival of Heritage, Qom, third edition, 1416 AH.
19. Raghīb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Publisher: Aras, Iran, Sanandaj, first edition.
20. Mousavi Lari, Seyyed Mojtaba, A Study of Moral and Psychological Problems, Islamic Publications Office Printing House, fourth edition, 1378 AH.
21. Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi, Humanization in the Quran, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, 1392, fourth edition.
22. Motahari, Morteza, Collection of Works, Sadra Publications, first edition, 1386 AH.
23., Andisheeh Motahar, Beirut, Dar Ihya al-Turaht al-Arabi, 1440 AH -1397 AH, first edition.
24. Tabarsi, Abu Ali Fadl ibn Hassan, known as Amin al-Islam, Majma al-Bayan,

- translated by Seyyed Hashem Rasuli Mahallati, Farahani Publications, first edition, 1351 AH.
25. Tabatabaei, Mohammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Beirut, Dar al-Andalus Publications, first edition, 1431 AH.
26. Turahi, Fakhr al-Din, Majma al-Bahrain, Murtazavi Publications, no date, no place.
27. Kulani, Abi Jafar Mohammad ibn Yaqub, Principles of Al-Kafi, translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran, no date, no date.
28. Moeen, Mohammad, Farhang al-Farhani, Tehran, Amir Kabir Publishing House, 1375 AH, tenth edition.
29. Mostafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran, published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1368 AH, first edition.
30. Makarem, Nasser and colleagues, Tafsir Nomne, Qom, Publisher: Darul-Kutb al-Islamiyya, Al-Imam Amir al-Momenin School Printing House, 11th edition, 1370 and 1371.
31. Naraqi, Mulla Ahmad, Mi'raj al-Sa'adah, Tehran, Jomhuri Publishing House, 1390 AH, first edition.
32. Sayyid Razi, Muhammad bin Hussein bin Musa, Nahjul-Balagha, translated by Ali Shirvani, Publisher: Maarif Publishing House, third edition, 1392 AH.